

در کار تحقیقی، «تدقیق» شرط اول است!!! در رابطه با «اوغان – یو تحقیقی خیرنه» نوشته آقای جهانی

"تحقیق" در لغت به معنای "پیدا کردن حقایق" و "حقیقتیابی" است و کسیکه بدین کار دست می برد "محقق" خوانده میشود. استاد مرحوم علامه احمدعلی کهزاد در عوض "تحقیق و محقق" کلمات "تدقیق و مدقق" را استعمال میکند. گرچه کلمات "تدقیق و مدقق" مطلب را دقیقتر میرسانند، مگر متأسفانه در ادبیات دری جای پای باز کرده نتوانسته است، مثلیکه کلمه دانشگاه در ادبیات دری وطن ما راه خود را نتوانست باز کند. بسا ایرانیان در عوض کلمات عربی "تحقیق و محقق" ترکیبات فارسی "پژوهش و پژوهشگر" را استعمال میکنند، که معنای رسا و دقیق "تحقیق و محقق" را رسانده نمیتوانند. در هر صورت:

وقتی که در پی دریافت حقایق می افتیم، باید با دقت تمام قدم برداریم. معلوم است که در عرصه تحقیق به مآخذ و منابع مختلف رجوع گردیده و از خلال آنها حقایق بدر آورده میشود. در یک اثر تحقیقی نه تنها دقت کامل شرط است، بلکه استنباط و استخراج منطقی محقق از میان مواد دست داشته نیز جزء لاینجزای کار تحقیقی او شمرده میشود. نوشته آقای باری جهانی را زیر عنوان «**اوغان (یوه تحقیقاتی خیرنه)**» در ستون تحلیلات پورتال "افغان جرمن آنلاین" بتاريخ ۵ جنوری ۲۰۱۲ مرور کرده و با تأسف دریافتم که نویسنده در کار خود دقت کافی ننموده است. چنانکه معمول چنین مقالات است، نویسنده مقاله خود را با استفاده از منابع متعدد ترتیب کرده است. آنچه در نگاه اول از نظر این قلم غیر دقیق جلوه کرد، استفاده از شهنامه فردوسی در مورد کلمه "افغان و اوغان" است. آقای جهانی از داستان رزم کک کهزاد افغان با رستم داستان که در شهنامه طی حدوداً "یک هزار بیت" بیان گردیده است، فقط "دوازده بیت" را انتخاب کرده است و با تأسف که همین دوازده بیت را هم با اغلاط فراوان املائی و عروضی ضبط کرده است. نویسنده بعداً همان ضبط غلط اشعار را مدار اعتبار قرار داده و به استنباط غلط دست یافته است. من درینجا هیئت درست همان دوازده بیت را از شاهنامه فردوسی بیرون آورده و از نظر خواننده دقیق النظر میگذرانم:

نشسته در آن دشت بسیار کوچ
نژادش ز افغان سپاهش هزار
نژادش ز اوغان سپاهش بلوچ
ز افغان و لاجین و کورد و بلوچ
همه ناوک اننداز و ژوبین گذار
ابر دشت خـرگاه بگزید کوچ

اگر صد هزار است و گر یک سوار
پیاده روم سوی آن بُرز کوه
بدو خیره گردید بهزاد گُرد
بزد بر سپر زود بهزاد گُرز
بخندید رستم ز گُرز گران
چو بهزاد افغان ازو این شنف
سپر بر سر آورد بهزاد گُرد
چه در دژ گزیدی بدین سان درنگ
همه مرز افغان بهـم برزنم
به یک دم بـرآرم از ایشان دمار
بینم چه ساندند افغان گـروه
همیخـواست بنمایدش دستبرد
بیچید آواش در کوه بـررز
که اینست پیکـار افغانیان
بدو گُفت کاهـریمنت باد جفت
تهمتـن بیامد پی دستبرد
که آمد همه نام اوغان به ننگ
بدین دژ ز کین آتش انـدر زنم

کلماتی که در بالا بخط آبی نشان داده شده اند، در ضبط جناب جهانی مغلوط آمده اند. خواننده عزیز حتماً متوجه میگردد که آقای جهانی نه تنها قصه جنگ رستم را با کک کهزاد بدون تسلسل منطقی داستان می آورد، بلکه کلمات "گُرد" و "گُرز" و "گُفت" را با "کاف عربی" و به شکل "کُرد" و "کُرز" و "گُفت" ثبت کرده و سپس از اشتباه کار خود به نتیجه غلط میرسد. فردوسی برای "بهزاد" کلمه "گُرد" که معنای "پهلوان" را میدهد، استعمال کرده است و آقای باری جهانی که "گُرد" را "کُرد" ساخته است، نتیجه میگیرد که گویا فردوسی "بهزاد افغان" را از نسل "کُرد" دانسته است!!!!

آقای جهانی ظاهراً از مصراع "نژادش ز اوغان سپاهش بلوچ" از طرف فردوسی و به نمایندگی از سخنور بزرگ توس نتیجه میگیرد که گویا فردوسی "افغان" را با "بلوچ" فرق کرده نمیتواند.
جناب جهانی چنین نویسد:

« مونږ گورو چی شاعر د کک کهزاد سپه سالار، بهزاد، ته هم افغان، هم اوغان او هم کرد وایی او لا د افغانانو د اوسیدلو ځای در برز غرونه معرفی کوی. له دی څخه بڼکاری چی شاعر هسی د افغان نوم اوریدلی دی او له کردانو او بلوچانو سره یی په توپیر نه پوهیزی....»

آقای جهانی از برداشت ناقص خود جهت وارد کردن اتهام بدامان فردوسی استفاده کرده و میخواهد تقصیر کوتاهی و عدم درک دقیق خود را به گردن فردوسی بیندازد و این گناهیست نابخشودنی!!! اگر "محقق" خود حقایق عریان و آشکارا را زیر پای بگذارد، وای به حال کسی که از "تحقیق" بوئی نبرده است!!!!!!

در اوج فعالیت "افغانستانی ها" مقاله «استعمال نام "افغانستانی" جرم است» را در ماه می ۲۰۰۴ در جریده "امید" و بسا جراند دیگر افغانی، در داخل و خارج افغانستان نشر کردم، که خوشبختانه انعکاسی وسیع داشت. نویسندگان مختلف در زمینه ابراز نظر کردند، ولی مقاله جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی درین میانه نقش خاص خود را داشت. به یاد دارم که آقای معروفی در ماه جولای ۲۰۰۴؛ یعنی دقیقاً هفت سال پیش از امروز، و در زمانی که دشمنان افغانستان مسأله "افغانستانی" را بجای "افغان" سر زبانها انداخته بودند، ضمن قسمت دوم سلسله "افغان، افغانی، افغانستانی" خویش داستان رزم رستم را با کک کهزاد بصورت خیلی جالب مجسم ساخته بود. وی این داستان را با انتخاب ابیات دیگر شاهنامه فردوسی - و تا جائی که یاد می آید ضمن ۱۶ بیت - ارائه کرده بود، که از خلال آن تسلسل منطقی رزم کک کهزاد افغان با رستم زال بخوبی جلوه گر میگردد. توجه خوانندگان ارجمند را به مطالعه صفحات مربوطه در کتاب "افغانستان - گلستان اقوام" (چاپ انتشارات بامیان شهر لیموز فرانسه، تألیف اینجانب) جلب میکنم. قابل ذکر است که در داستان نبرد کک کهزاد با رستم، خود "کک کهزاد افغان" با "رستم" طرف است، اما آقای جهانی "بهزاد افغان" را رقیب و طرف مقابله رستم علم میفرماید!!! که غلط است.

شما میتوانید این مقاله مهم و تحقیقی (واقعی) را با کلیک بر لینک آتی در پورتال افغان جرمن آنلاین مطالعه نموده از معلومات و آگاهی های علمی، مستند و تاریخی این نوشته عالی استفاده ببرند. البته مطالعه آنرا به جناب جهانی هم توصیه میکنم تا اشتباهاتی که نزد شان پیرامون شهنامه و سخنان فردوسی بزرگ، رخ داده اصلاح فرمایند.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/marooofi_k_afghan_afghanistani-part_1_et_2.pdf

متأسفانه که آقای جهانی حتی نام کتب مشهور مورد استفاده خود را نیز غلط ثبت میکند؛ چنانکه "روضه الصفا" را بشکل "روضتة الصفا" می آورد. همین سان "زبدة التواریخ" را در هیئت "زبدت التواریخ" مینویسد و همچنان "تاریخنامه هرات" و "سعادتنامه" را بصورت "تاریخ نامه هرات" و "سعادت نامه" مینویسد؛ و

"تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل"!!!!!!

با فرصت اندکی که در دسترس داشتم فقط بر همین چند نکته مقاله آقای جهانی انگشت گذاشتم، تا مشتی از خروار باشد. زیرا هیچ مطمئن نیستم که آقای جهانی از منابع متعدد دیگر استفاده درست و دقیق کرده باشد!!!!!! البته از زحمتی که برای دسترس به این معلومات علمی کشیده اند ارج میگذارم و در این بحر مآخذ نشان داده شده دُرّی نیافته اند میتوان بزرگوارانه چشم پوشید. البته خدا کند فردوسی بزرگ از این غلط فهمی ها قهر نشوند و این بیت خود را به رخ ما نکشند:

خجسته درگه محمود زاوولی، دریاست
چگونه دریا، کانرا کرانه پیدا نیست
شدم به دریا، غوطه زدم، ندیدم دُر
گناه بخت من است این، گناه دریا نیست
فردوسی

یار زنده و صحبت باقی